

جهانی طنزآلود



پرنسپالات هینو / استونی
PRUNSVELT HENO/ESTONIA

NO!

HEINO © 1991

ششمین سمپوزیوم بین‌المللی کارتون در ۱۹۹۱ تحت عنوان «نژاد و مرزهای ملی» درسالن همشهریان شهر ماکورازاکی برگزار گردید. این گردهمایی هرساله با هدف فراگیر کردن و شناساندن کاریکاتور به عموم و همچنین تشویق هنرمندان این رشته به پرداختن به مضامین سیاسی و اجتماعی تشکیل می‌شود.

سمپوزیوم بین‌المللی کاریکاتور هرساله موضوعی خاص را در سطح بین‌المللی و در بین کاریکاتوریستها به مسابقه می‌گذارد با این تفاوت که این مسابقه جایزه‌ای ندارد و تنها کاتالوگی از آثار به چاپ رسیده برای شرکت‌کنندگان فرستاده می‌شود. شرکت‌کنندگان در گفتگوی ششمین سمپوزیوم بین‌المللی کاریکاتور ۱۹۹۱، روز پس از تشکیل جلسه، در ایستگاه تلویزیونی کاکوشیما گرد هم آمدند و به گفتگو پرداختند. این گفتگو مورد توجه مردم قرار گرفت. شرکت‌کنندگان در این بحث تلویزیونی عبارت بودند از: نوموگو اوئینو (مجری برنامه شبکه مینا مینی‌هون)، ساداوا ساکابی (مدیر کمیته سمپوزیوم بین‌المللی کاریکاتور از ژاپن) باتاهاارامووا (دانشجوی تبادل فرهنگی از چک‌واسلواکی) هاوکوشین سوزوکی (پرفسور دانشگاه مومبایاماگاکوین ژاپن) ونسویی (منتقد کاریکاتور از کره جنوبی) هری اس پاریزز (روزنامه نگار از آمریکا) البرسوسوز لو (کاریکاتوریست از قبرس) و میچکو یاماساکی (مترجم)



اوننو: امروز موضوع نژاد و مرزهای ملی را مورد بحث قرار می‌دهیم. سرانجام در اواخر قرن بیستم، برای اولین بار پس از تولد بشر توانستیم درایده مشترکی که همانا حفاظت از کره خاکی باشد، باهم متحد شده، به توافق برسیم. فعالیت‌های بشر همواره متوجه نابودسازی زمین بوده است. من مطمئنم که همه شما با دانستن مطالبی در مورد مشکلات آلودگی محیط زیست، ناراحت و یا با دیدن پرندگان آلوده به نفت در طول جنگ خلیج فارس آزرده خاطر شده‌اید. لایه اوزن در حال نابودی و سبب گرم شدن جهان شده است. مردم دنیا درحالی که جهان ما به شدت در حال تغییر است، باید با این مشکل روبرو شوند. بی‌آنکه در مورد آلمانیا توضیح زیادی بدهیم، می‌توان گفت که فروریختن دیوار برلین تمام جهان را شادمان کرد. هرچند آنها به دلیل مشکلات یکی شدن در رنج‌اند. اقوام بسیار و گوناگونی در بخشهای مختلف جهان شروع به خیزش برای استقلال خود کرده‌اند. ژاپنیا به دلیل یکی بودنشان نمی‌توانند این مشکلات را به طور کامل درک کنند ما باید راهی را جستجو نماییم که با مردم جهان به وسیله شریک شدن با آنها در مشکلات نژادی و مرزهای ملی ارتباط برقرار کنیم. کار مکاتبه‌ها و سایر موارد بوسیله اسلا یید نشان داده خواهند شد. اکنون اجازه دهید در مورد مشکل نژادی در هر کشور مطالب را بشنویم.

بی: جنگ کره که در ۱۹۵۹ رخ داد، کشور ما را به دویخش جنوب و شمال با یک مرز نظامی تقسیم کرد. کره شمالی دارای یک ایدئولوژی متفاوت و کشوری است که مورد دشمنی ماست. ما شدیدترین و سخت‌ترین عواطف را علیه آنها داریم. گرچه دیدارهای متقابل اخیر این عواطف را تعدیل ساخته است. مرزها وجود دارند و به نظر می‌رسد،

شناسی برای از میان برداشتن آنها وجود ندارد. همواره برای به وجود آوردن هرگونه مرز ملی مشکلات غیر قابل اجتنابی وجود داشته است.

سوسوزلو: در طرف چپ یک قبرسی ترک تبار و در سمت راست یک قبرسی یونانی وجود دارد. آمریکا با اهرم کوچکی شکلی که در سرشان قرار دارد، آنها را کنترل می‌کند. عشق تنها راه پایان دادن به درگیری بین یونانیا و ترکهاست.

ساکابی: بیشتر آثار چک مد روز و مردمی‌اند، با این حال این بار طرز برخورد آنها را بسیار سخت می‌یابم. آیا شما در چکسلواکی با مشکل نژاد و مرزهای ملی درگیرید؟

هارامووا: چکسلواکی دارای هیچ مرز ملی نیست، ولی دولت مختلف باهم در آنجا زندگی می‌کنند. سنن چک کاملاً مانند آلمان و سفتهای اسلواک همانند مجار است. هیچ زبان رسمی‌ای بین سالهای ۱۰۰۰ تا ۱۹۱۸ وجود نداشته است. زبانهای چک و اسلواک وجود دارند. اگر چه ما که در اسلواک زندگی می‌کنیم، به مجاری سخن می‌گوییم، ولی زبان مجاری یا اسلواکی به عنوان زبان رسمی به رسمیت شناخته نشده است.

پس از پایان جنگ جهانی اول در ۱۹۱۹ کشور چکسلواکی با دولت و دوزبان تشکیل شد. در ۱۹۴۸، پس از پایان جنگ جهانی دوم با دخالت اتحاد شوروی، چکسلواکی تبدیل به یک ملت سوسیالیست شد. ما اجازه نداشتیم کشورهای خارجی بویژه کشورهای سرمایه‌داری را ببینیم. مطمئناً همین سیاست نیز در دیگر کشورهای سوسیالیستی اعمال می‌شده است. پس از فروپاشی دیوار برلین، دوسال پیش چکسلواکی نیز همانند دیگر کشورهای سوسیالیست دچار تغییرات شدیدی شد. ما از آزادیهایی که به دست آورده‌ایم، بسیار خوشحالییم گرچه اخیراً مشکلات جدیدی سر برآورده‌اند. هم چکها و هم اسلواکها می‌خواهند مستقل باشند همه مسئولان

دولتی و سفیران ما در کشورهای خارجی چکانند. این حقیقت دارد که چکها به عنوان مردمی پرتراز اسلواکها تلقی می‌شوند. تقسیم کردن یا تقسیم نکردن کشور و منازعه و مسئله مشکلی را برای کشور به وجود آورده است. هفتاد سال است که ما باهم زندگی می‌کنیم. بسیاری از مردم معتقدند که ما دوست داریم به رشد و قویتر شدن خود ادامه دهیم.

پاریزز ۶: آمریکا با تهاجم عراق به کویت به سوی عراق موشک شلیک کرد. هنگامی که ارتش آمریکا بار دیگر به خانه بازگشت، مراسم رژه‌ای برای بزرگداشت بیروزی عملیات طوفان صحرا برگزار شد. نژادهای مختلفی در این رژه شرکت کردند. تعداد بسیاری از مردم بدون در نظر گرفتن معنی این رژه در آن شرکت کردند. به این دلیل است که جنگها هرگز پایان نمی‌یابند.

این تصویر جلسه‌ای را در مرز دو کره نشان می‌دهد. در طرف چپ میز، پرچم کره شمالی و در سمت راست، پرچم کره جنوبی درآمزاز است. هر دو بر ای اینکه کدام پرچم بالاتر قرارگیرد، باهم رقابت می‌کنند. پرچمها بلند و بلندتر می‌شوند، به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان آنها را در اتاق جلسه قرار داد. تازمانی که سیاستمداران دارای چنین خصوصیات و شخصیت‌های بچه‌گانه‌اند، جنگها از روی زمین محو و ناپدید نمی‌شوند.



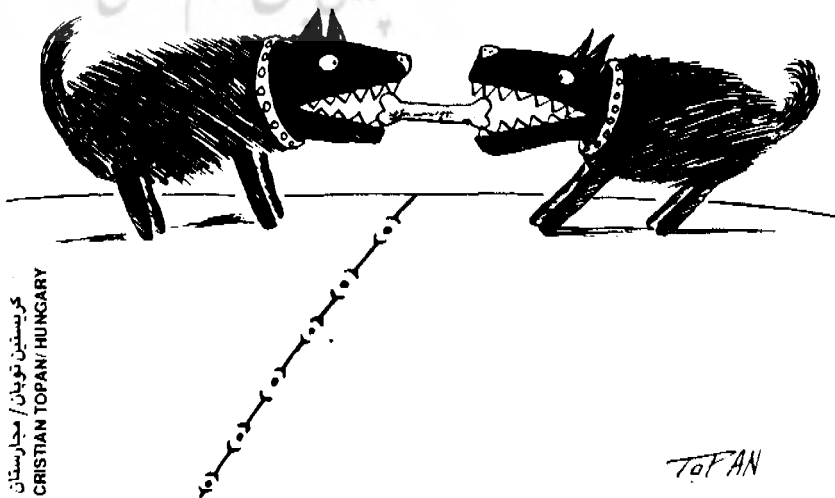
بی: این پدیده از زمان آتش بس در جنگ کره در ۱۹۵۳ آغاز شد. مذاکرات بین ارتشهای جنوب و شمال و سازمانهای مربوطه شروع گردید. طرفهای کره شمالی صندلیهای بالای جلسه را انتخاب کردند، زیرا میخواستند خود را در عکسهایی که در روزنامهها به چاپ می رسید، بزرگتر جلوه دهند. همین امر نیز در مورد پرچمهای ملی رخ داد. میز درست لب مرز قرار داده شده بود. خط مرزی حتی بر عرض میز هم کشیده شده بود. هر دو پرچم ملی شروع به رقابت بر ای ارتفاع گرفتن کردند تا اینکه سرانجام به سقف رسیدند. هر چند بالاخره سازش کردند. اما هنوز تفاوت اندکی در ارتفاع آنها موجود است. ساکایی: واقعاً که این تصویر کمدی است. بی: بله البته.

سوزوکی: در حال حاضر، من مشغول مطالعه اتحاد جماهیر شوروی ام. این کشور قبلاً از ۱۵ جمهوری تشکیل شده بود، در حالی که اکنون بس از استقلال، از سه جمهوری بالتیک، تنها ۱۲ جمهوری آن باقی مانده اند. اتحاد شوروی دیگر اتحاد شوروی نیست. برای مثال، در حدود ۴۵۰۰۰ کره ای در ساخالین و ۶۰۰ هزار کره ای در جمهوری ازبکستان

در آسیای میانه زندگی می کنند که در مجموع رقم کره ایها را نزدیک به ۷۰۰ هزار نفر در شوروی می رساند.

شبه جزیره کره یک بار در سی سال پیش توسط ژاپن اشغال شد. و آن دسته از کره ایهایی که در برابر کنترل ژاپن مقاومت می کردند و خواستار استقلال بودند، به شوروی گریختند. آنها بس از عبور از مرز، در نقاطی که نزدیک منچوری بود، مقیم شدند. هنگامی که وقوع جنگ جهانی دوم نزدیک می شد، حاکم وقت، استالین فکر کرد این کره ایها ممکن است علیه اتحاد شوروی بازماندهایی که به اتحاد شوروی حمله کرده بودند، متحد شوند. اگر چه آنها از ژاپن فرار کرده بودند، اما استالین با آنها به عنوان آسیایی برخورد کرد. بنابراین، بخشی از کره ایها را به ساخالین و بیشتر آنها را به آسیای میانه فرستاد. آنها به اتحاد شوروی کشت برنج را یاد دادند و پایه های برنجکاری را در آن کشور سوسیالیستی بنا نهادند. هنگامی که سی سال پیش به ۲۲ کشور آفریقا سفر کردم، احساس کردم که قضاوتها و نفرت نژادی

رتال جامع علوم انسانی



کریستین تاپان / مجارستان
CRISTIAN TOPAN / HUNGARY

TAPAN

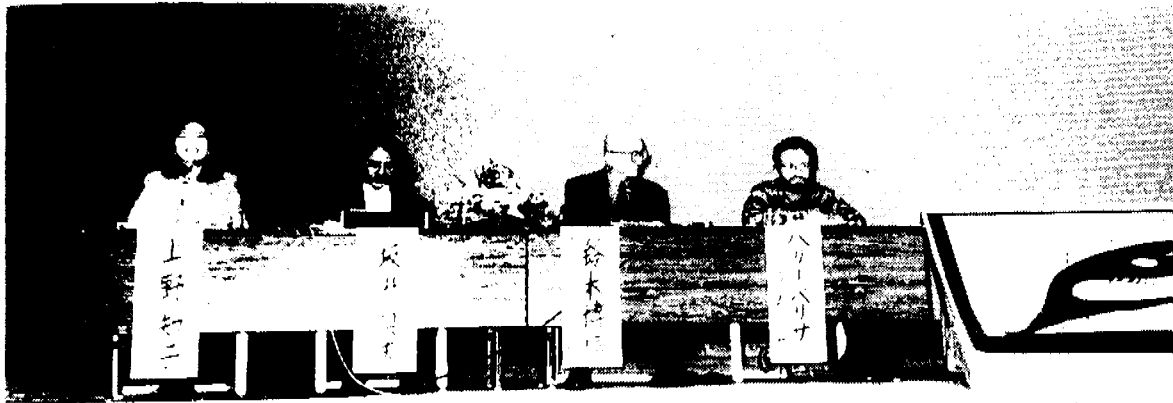
در بخشهای ساحلی و سرزمینهای بومی بسیار زیاد است. دلیلش این بود که ساحل نشینان، سیاهان بومی را می گرفتند و آنها را در برابر پول به سفیدپوستان می فروختند و این کار در زمان سلطه سفیدپوستان براقاره آفریقا جریان داشت. به این ترتیب بود که بیش از ده میلیون سیاه پوست آفریقایی به آمریکای شمالی و جنوبی فرستاده شدند. سنطه سفیدپوستان در روزگار استعمار، امروز نیز هنوز همچون زخم عمیقی وجود دارد.

این دونهونه حالتی از تفاوتهای نژادی را نشان می دهد. ولی برخی اوقات نژادهای همسان به دلیل وجود مرز، مشکلات غم انگیزی را سبب می شوند.

مورد سوم واقعه ای بود که در جنگ ویتنام شاهد آن بوده ام. ویتنام جنوبی که بوسیله آمریکا اشغال شده بود، علیه ویتنام شمالی می جنگید. ویتنامیهای که از شمال حمله می کردند، به وسیله ویتنامیهای جنوبی کشته می شدند و بدنهایشان در سراسر جنگل پراکنده می شد. پس از پایان حمله، ویتنامیهای جنوب، جگر کشته شدگان را از بدنشان بیرون می آوردند و می خوردند. و اینهمه تنها به دلیل وجود مرز ملی بوده است. آنهایی که پشت این خط بودند، دشمن تلقی می شدند و علی رغم آنکه همه متعلق به یک نژاد بودند، جگرهایشان توسط جنوبیها خورده می شد.

ساکایی: در جهان تغییری اساسی رخ داده است. قدرتهای بزرگ، امریکا و شوروی ضعیف شده اند و این در حالی است که تعدادی از جمهوریها بانژادهایی که جزئی از شوروی بودند، به سوی استقلال پیش می روند. اتحاد شوروی عملاً رو به فروپاشی است. این جمهوریها حتی پیش از تشکیل دولتهایشان مستقل می شوند. اما آیا این ملت های نابالغ می توانند بدون هیچ مانعی به رشد خود ادامه دهند؟ سر درگمی نظم جهان نشان می دهد بازگشت به ریشه ها و هویت ملی برای هر جمهوری و قومی لازم است. اگر یک نژاد غریبه مجبور به ترک وطن شود و مرز ملی بوسیله زور برقرار شود، این مطمئناً در آینده سبب بروز مشکلاتی خواهد شد.

ساکایی: اگر مسئله برقراری هویت، تشدید شود، ممکن است جوهره اصلی این تحولات از دست برود. مرزهای ملی خود مسئله ای مربوط به سیاست است.



هر چند سیاستمداران دارای آن ظرافت و رفتار که از آنها انتظار می‌رود، نیستند.

سوزولوی: گفته شده است که امریکا در واقع ایالات متحده است. اما عملاً امریکا یک اتحاد است. در امریکا، به آزادی بهای زیادی می‌دهند. آزادی‌ای که البته شامل آزادی گرسنه بودن هم می‌شود. ملت امریکا را می‌سازد. اتحاد شوروی بوسیله روسها اشغال شده است. نژادهای متفاوتی به وسیله زنجیری از اختلاط نژادی به روسها مربوط شده‌اند. خود اتحاد شوروی به تنهایی این زنجیره را به وجود آورده است.

ساکایی: نژاد یا مرز ملی تنها هنگامی به مردم مربوط است، که آنها زنده باشند. این مسئله‌ای است که برای بشر از پیش تعیین شده است. اکنون که قدرتهای بزرگ تضعیف شده‌اند، نژادها و مرزهای ملی باید ویژگیهای تازه‌ای داشته باشند.

بدین معنا که همه افراد بشر در جهان با هم سهیم‌اند و ما باید با یکدیگر همزیستی داشته باشیم. بر آرزو مندیم که هویتی قابل انعطاف نزد جهانیان برقرار شود. البته این مالکیت مشترک بدین معنا نیست که همه نژادها باید با هم برابر باشند. نژادهای مختلف باید ویژگیهای خود را حفظ کنند. در این صورت است که جهان جالب خواهد بود. سرزمین حتی در دنیای حیوانات نیز وجود دارد. این کاملاً طبیعی است. اما تفاوت میان حیوانات و انسانها در آن است که انسانها می‌توانند به طرز انفجار آمیزی متکامل شوند و این از طریق اختلاط فرهنگی گوناگون میسر است. بدین معنا مرزهای ملی باید دارای روزه‌هایی باشند.

سوزولوی: مشکل قبرس ۳۰ سال پیش آغاز شد. اگر چه قبرس پیش از جنگ هیچ مرز ملی‌ای نداشته است. مرز در جنگ سال ۱۹۷۴ به وجود آمد. قبرس اکنون تقسیم به دو زندگی یونانی در جنوب، و ترک در شمال شده است. این خط بوسیله امریکا کشیده شده است. اگر قبرس را به صورت یک قطعه کیک در نظر بگیریم. بخش غربی کیک به وسیله یونانیها خورده شده و بخش شرقی به وسیله ترکها. امریکا تنها نشسته و انتظار می‌کشد. بنابراین قدرت اصلی در دستان امریکا یا انگلیس است و نه درون قبرس. یک مرز ملی در اینجا به شکل استوانه‌هایی حلبی

نشان داده شده است. من شخصاً دلم می‌خواهد در خانه خودم زندگی کنم. من در پافوس در جنوب به دنیا آمدم، اما پس از جنگ ۱۹۷۴ باید در فاماگوستا زندگی می‌کردم. چگونه می‌توانم به خانه‌ام بازگردم؟ راه حل مشکل قبرس، عشق فراگیر جهانی است. من خیلی خوشحال خواهم شد اگر مردم سراسر جهان به قبرس توجه کنند.

اوتنو: من شنیده‌ام که شما دو پاسپورت دارید؟ این برای چیست؟

سوزولوی: من دو پاسپورت دارم. یکی بوسیله جمهوری ترکی قبرس شمالی صادر شده که نام اکبر سوزولوی را بر خود دارد. من برای از قبرس به ترکیه رفتن به آن نیاز دارم. پاسپورت دوم، قبرسی است. اما این پاسپورت عملاً نام پدرم، آلپرکمالو، را بر خود دارد، زیرا که دیگر اکنون جمهوری‌ای به نام قبرس وجود ندارد. پس از آنکه در ۱۹۷۳ این پاسپورت را گرفتم، یک بار در ۱۹۸۳ و سپس یک بار دیگر آن را تجدید کردم. برای تجدید پاسپورت من باید به لندن جایی که کمیسر عالی قبرس قرار دارد، می‌رفتم. بدون این پاسپورت من نمی‌توانم به ژاپن یا برخی دیگر از کشورهای خارجی بروم. به این دلیل است که من دو پاسپورت دارم.

ساکایی: آیا ممکن است سمپوزیوم بین‌المللی کاریکاتور را تحت عنوان نژاد و مرز ملی در کره شمالی برگزار کنیم.

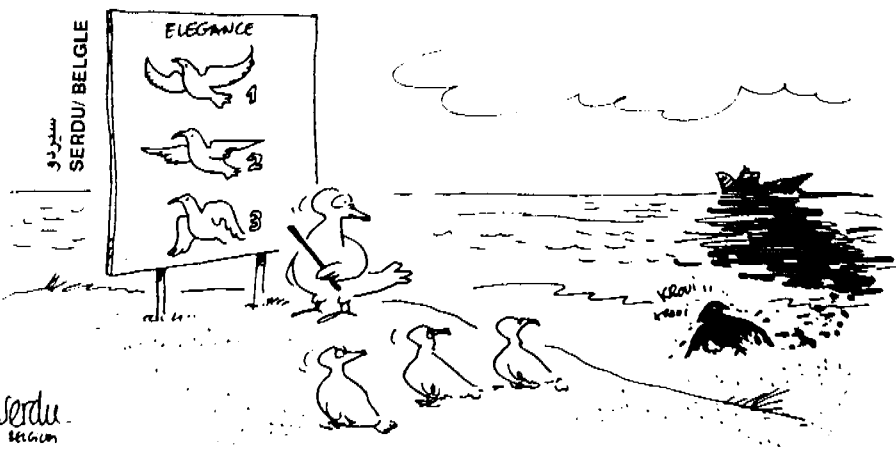
بی: اگر ما بتوانیم این کار را بکنیم، پیامدهای قدرتمند و راستینی حتی بزرگتر از نتایج قوی سیاسی به دست خواهد آمد.

ساکایی: مای خواستیم که در این اجلاس شرکت کنندهای هم از کره شمالی داشته باشیم.

بی: تا آنجا که من می‌دانم در کره شمالی تعداد کاریکاتوریستها و کاریکاتورها بسیار اندک است.

اوتنو: چند سال دیگر به قرن بیست و یکم می‌رسیم. در حال حاضر موضوع نژاد و مرز ملی مسئله مهمی است. مایلیم نظرات شما را در اینجا در مورد تقویت روابط خوب بین نژادهای گوناگون بدانم.

پاریز: البته هنگامی که جامعه در هم بشکند، این اتفاق رخ خواهد داد. اگر مردم سبک زندگی خودشان را به درستی داشته باشند و بدانند که چه می‌کنند، این ممکن است. از آنجا که جمعیت جهان بسیار زیاد است، زندگی ما پس از این متفاوت خواهد بود. این



سازمان جهانی کاریکاتوریست و مجله جهانی کاریکاتور



اوتنو: ما مایل بودیم یک کاریکاتور بیست و نهم در این سمپوزیوم شرکت کند. متأسفانه او به خاطر ویزا نتوانست بیاید. این امر یکی از دلایلی بود که ما را بران داشت تا مرزهای ملی را مورد بررسی قرار دهیم. ساکایی: ما برای کاریکاتوریستهای روس یک پرسشنامه فرستادیم و از آنها بهترین راه ادغام نژادها پرسیدیم و پاسخ آنها این بود: «کاریکاتور تنها راه حل است». من کاملاً با آنها موافقم.

سوسوزلو: نه مرز ملی می‌خواهیم نه جنگ! اوتنو: ماکارهای زنده‌ای از کرواسی دیدیم. فریادهای بسیاری از سایر نقاط جهان به این سمپوزیوم رسیده که می‌گویند «انسانها در روی زمین در جستجوی چیستند؟»

خرد مردم در قرن بیست و یکم باز هم مورد آزمایش قرار خواهد گرفت. اجازه دهید جهانی طنزآلود بیافرینیم. تولد این جهان بوسیله کاریکاتور، زبان مشترک انسانها میسر است. □

- 1] UENO
- 2] YI
- 3] Subuzlu
- 4] SAKAI
- 5] HARAMOVA
- 6] PARISER

در صورتی است که ما بامشکی روبرو نشویم و بچه‌های کمتری داشته باشیم.

ساکایی: البته جمعیت زیاد، سبب پدید آمدن مشکلات نژادی و سایر مشکلات شده است.

پاریزر: مردم تصمیمشان را گرفته‌اند، ما چنین چیزهایی را نمی‌خواهیم.

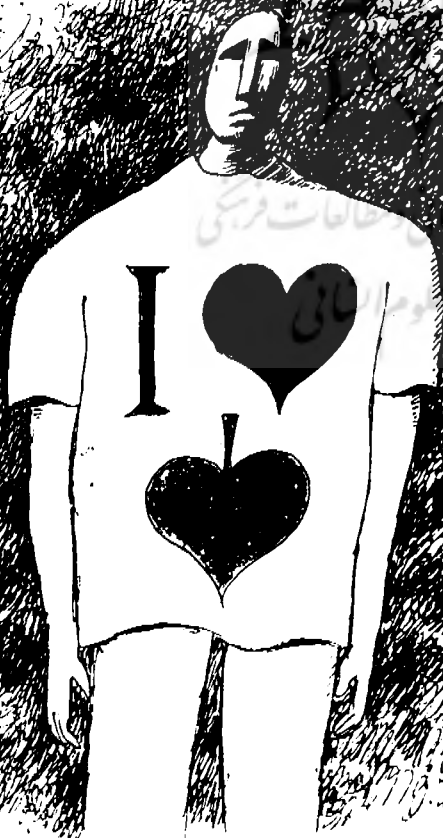
هارامووا: من امیدوارم در قرن بیست و یکم دیگر مرزهای ملی وجود نداشته باشد و مردم جهان خود را عضو یک خانواده بزرگ به شمار آورند. چقدر خوب خواهد بود که ما بتوانیم به همه جا بدون پاسپورت و ویزا مسافرت کنیم و دیگر جنگی در این جهان نباشد. این آرزوی قلبی و صمیمانه من است.

سوسوزلو: ما باید تمامی مرزهای ملی را برداریم و همه جنگها را پایان دهیم. همه مردم جهان باید تصمیم بگیرند که این امر را در قرن بیست و یکم واقعیت بخشند.

یسی: مرزهای ملی به یک معنی باید از میان برداشته شوند. به منظور دستیابی به این امر عشق و انسانگرایی لازم است. این امر باید بوسیله کاریکاتوریستهایی که سرشار از انسانگرایی‌اند، هدایت شود.

نیولای میرودونی / مجارستان
NECULAI MIRODONI HUNGARY

Mirotoni '91



جواد علیزاده
JAVAD ALIZADEH IRAN



ولادیمیر کازانفسکی / اوکراین
VLADIMIR KAZANEVSKY/UKRAINE